

هنر خوب ماندن

آموزش مهارت حل تعارض‌های اخلاقی
برای دانش‌آموزان

رستم فلاح

مؤسسه فرهنگی دین‌پژوهی بشرا

هنر خوب ماندن آموزش مهارت حل تعارض‌های اخلاقی برای دانش‌آموزان

نویسنده: رستم فلاح / نظارت: احد قوام‌ملکی / ویراستار: یوسف فوجی / ارزیابی و بازویرایش: علی باقری‌فر
حقوقچینی و نمونه‌خوانی: حامد و فهیمه باقری‌فر / صفحه‌آرایی: مرتضی رضایی / ناشر: انتشارات مؤسسه
فرهنگی دین پژوهی بشرا / لیتوگرافی، چاپ و صحافی: گنجینه چاپ تهران / نوبت چاپ: اول / شمارگان: ۲۰۰۰
قیمت: ۲۹۰۰ تومان



همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان شرقی، خیابان خواجه عبدالله انصاری، خیابان مدائن، خیابان انارکیه،

کوچه‌ی علایی شرقی، پلاک ۱۴، واحد ۵

تلفن: ۲۲۸۶۶۰۵۹

نشانی: قم، خیابان صفائیه، کوچه‌ی زین‌الدین، پلاک ۲۵۱

تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۴۶۵۵

وب سایت: www.boshraa.com

سرشناسه: فلاح، رستم، ۱۳۹۰ -

عنوان و نام پدیدآورنده: هنر خوب ماندن: آموزش مهارت حل تعارض‌های اخلاقی برای دانش‌آموزان / رستم فلاح

مشخصات نشر: تهران، مؤسسه فرهنگی دین پژوهی بشرا، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری: ۱۶۴ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۰۸-۲۲-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: شاگردان - ایران - راهنمای مهارت‌های زندگی

موضوع: معلمان - روابط با شاگردان

موضوع: آموزش و پرورش نوجوانان

موضوع: ارتباط در آموزش و پرورش، اخلاق

رده‌بندی کنگره: LB ۳۶۰۷ / ف ۸ . ۹ ۱۳۹۰

رده‌بندی دیویی: ۳۷۸/۱۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۸۶۴۰۱

فهرست

۱۳	بهانه‌ی نگارش.....
۱۹	دبیاچه.....
۲۳	بخش اول: تعارض اخلاقی و راههای حل آن.....
۲۴	سودمندی اخلاق.....
۲۶	تعارض اخلاقی چیست؟.....
۲۹	تعارض اخلاقی، توهم یا واقعیت؟.....
۳۴	جایگاه تعارضات اخلاقی در علم اخلاق.....
۳۵	حل تعارضات اخلاقی.....
۳۷	عوامل مؤثر در تصمیم‌سازی اخلاقی.....
۳۹	راهنمای کلی و عمومی حل تعارضات اخلاقی.....
۳۹	تشخیص معضل از تعارض.....
۴۰	تشخیص تعارضات اخلاقی از تعارضات عادی.....
۴۹	بخش دوم: مطالعات موردی.....
۴۹	(تمرین برای کسب مهارت در حل تعارضات اخلاقی).....
۵۱	پاداش.....

۵۱	وضعیت
۵۲	یادداشتی برای معلم
۵۳	پیش به سوی حل مسأله
۵۵	تنبيه
۵۵	وضعیت
۵۶	یادداشتی برای معلم
۵۹	پیش به سوی حل مسأله
۶۱	حق دیگری
۶۱	وضعیت
۶۲	یادداشتی برای معلم
۶۴	پیش به سوی حل مسأله
۶۶	دروغ مصلحت‌آمیز
۶۶	وضعیت
۶۶	یادداشتی برای معلم
۷۰	پیش به سوی حل مسأله
۷۱	فوتبال
۷۱	وضعیت
۷۳	یادداشتی برای معلم
۷۴	پیش به سوی حل مسأله
۷۶	استرس
۷۶	وضعیت
۷۷	یادداشتی برای معلم
۷۹	پیش به سوی حل مسأله

۸۰	مشورت
۸۰	وضعیت
۸۱	یادداشتی برای معلم
۸۲	پیش به سوی حل مسأله
۸۴	صدای توپ
۸۴	وضعیت
۸۶	یادداشتی برای معلم
۸۷	پیش به سوی حل مسأله
۸۹	مسابقه
۸۹	وضعیت
۹۱	یادداشتی برای معلم
۹۲	پیش به سوی حل مسأله
۹۴	مواظب والدین تان باشید!
۹۴	وضعیت
۹۵	یادداشتی برای معلم
۹۷	پیش به سوی حل مسأله
۹۹	دزدی از یخچال
۹۹	وضعیت
۱۰۱	یادداشتی برای معلم
۱۰۱	پیش به سوی حل مسأله
۱۰۳	همدیگر را ببخشید!
۱۰۳	وضعیت
۱۰۴	یادداشتی برای معلم

۱۰۶.....	پیش به سوی حل مسأله.....
۱۰۸.....	کوچه پس کوچه.....
۱۰۸.....	وضعیت.....
۱۰۹.....	یادداشتی برای معلم.....
۱۱۰.....	پیش به سوی حل مسأله.....
۱۱۲.....	پیچ به این طرف!.....
۱۱۲.....	وضعیت.....
۱۱۴.....	یادداشتی برای معلم.....
۱۱۶.....	پیش به سوی حل مسأله.....
۱۱۸.....	من به شرط او.....
۱۱۸.....	وضعیت.....
۱۲۱.....	یادداشتی برای معلم.....
۱۲۲.....	پیش به سوی حل مسأله.....
۱۲۴.....	کاریکاتور.....
۱۲۴.....	وضعیت.....
۱۲۶.....	یادداشتی برای معلم.....
۱۲۷.....	پیش به سوی حل مسأله.....
۱۲۹.....	رئیس انجمن.....
۱۲۹.....	وضعیت.....
۱۳۱.....	یادداشتی برای معلم.....
۱۳۲.....	پیش به سوی حل مسأله.....
۱۳۴.....	بابا باهات شوخی کردم!.....
۱۳۴.....	وضعیت.....

- ۱۳۵.....یادداشتی برای معلم
- ۱۳۵.....پیش به سوی حل مسأله
- ۱۳۷.....دین خود را ادا کنید!
- ۱۳۷.....وضعیت
- ۱۳۸.....یادداشتی برای معلم
- ۱۳۹.....پیش به سوی حل مسأله
- ۱۴۱.....سرقت ادبی
- ۱۴۱.....وضعیت
- ۱۴۲.....یادداشتی برای معلم
- ۱۴۳.....پیش به سوی حل مسأله
- ۱۴۵.....اگر من بر ندارم، دیگران بر می دارند!
- ۱۴۵.....وضعیت
- ۱۴۶.....یادداشتی برای معلم
- ۱۴۸.....پیش به سوی حل مسأله
- ۱۵۰.....حق اعتراض!
- ۱۵۰.....وضعیت
- ۱۵۱.....یادداشتی برای معلم
- ۱۵۳.....پیش به سوی حل مسأله
- ۱۵۵.....مهمانی پنهانی
- ۱۵۵.....وضعیت
- ۱۵۶.....یادداشتی برای معلم
- ۱۵۸.....پیش به سوی حل مسأله
- ۱۶۰.....منابع

«قدر و ارزش هر کس

به اندازه همت اوست»

(علی علیه السلام)

دیباچه

انسان در گذر زمان و گذران عمر، بین دو بی‌نهایت در حرکت است؛ بی‌نهایت زیر صفر و بی‌نهایت بالای صفر؛ از اسفل السافلین تا اعلی علیین. این که حرکت به سوی کدامیک از دو بی‌نهایت برگزیده شود به اراده و انتخاب انسان واگذار شده است، حرکت در یک مسیر، استعدادهای انسان را تباه می‌سازد^۱ و آدمی را به پرتگاهی منحط‌تر از جایگاه چارپایان ساقط می‌کند^۲ و حرکت در مسیر دیگر او را تا اعلی علیین بالا می‌برد و به مرز خداگونگی می‌رساند.^۳

تربیت‌شدگان مکتب وحی و دلدادگان به آموزه‌های دین، چشم‌انداز حرکت خود را در زندگی، رسیدن به الله و خداگونه‌شدن در دنیا تعریف کرده‌اند و از این رو توقف در هر مرحله‌ای از مراحل کمال و درج‌آوردن در آن را، به

۱- وَالْفَضِيرُ إِنْ الْإِنْسَانُ لَفِي خُسْرٍ (عصر: آیات ۲-۱)

۲- أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَنْفَلِقُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَلَّامٌ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (فرقان: آیه ۲۴)

۳- يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطَهَّرَةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاغِبَةً مُّزَيَّيَّةً (فجر: آیات ۲۸-۲۷)

معنای از دست دادن فرصت‌ها و کوتاهی در فعلیت رساندن همه مواهب انسانی و استعدادهای خدایی می‌دانند.^۱ بنابراین، حرکت از خوب به عالی و از عالی به متعالی دغدغه دائمی این کسان است و جز این را، مغایر فلسفه آفرینش خود می‌انگارند.

از این گروه که بگذریم با دسته دیگری روبرو می‌شویم که در کشاکش نهیب‌های وجدان اخلاقی^۲ و خواهش‌های نفسانی^۳ در رفت‌وآمد هستند و همه هنر خویش را به کار می‌گیرند تا در لغزشگاه‌ها نلغزند و در فراز و نشیب‌های زندگی، باورها، خصلت‌ها و کردارهای خوب خود را حفظ کنند. در منطق قرآن و کلام وحی، دغدغه خوب ماندن و حفظ هدایت‌یافتگی در قلمرو عقیده و اخلاق و عمل، نشانه خردمندی و رسیدن به سطحی از کمال‌یافتگی است^۴ که شرط لازم برای «شدن» و فتح قله‌های انسانیت است.

پژوهشگر فرهیخته جناب آقای رستم فلاح همه سعی خویش را به کار گرفته است تا در این کتاب به شکلی بدیع و جذاب پاره‌ای از چالش‌ها و تعارض‌های اخلاقی دانش‌آموزان در مسیر خوب ماندن را به بحث بگذارد تا از رهگذر تعامل دو سویه معلمان و دانش‌آموزان، به تعلیم مهارت حل تعارض‌های اخلاقی دانش‌آموزان بپردازد.

ایده این تحقیق از سوی ایشان با مؤسسه فرهنگی دین‌پژوهی بشرا در میان

۱- فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْجِعْ (انشراح: آیات ۷-۸)

۲- لَا أَقْسِمُ بِنَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا أَقْسِمُ بِاللُّغَمَةِ (قیامت: آیات ۲-۱)

۳- وَمَا أَزِيذُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَفْوَارَةٌ بِالْأَشْوَابِ إِلَّا مَا رَزَمْتُ نَفْسِي ... (یوسف: آیه ۵۳)

۴- وَبَلَا لَا تَرْغُ قُلُوبُنَا بَعْدَ إِذْ مَدَدْنَاهَا وَقَدْ قَبَّلْنَا مِنَّا مِنْ قَدَمِكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (آل عمران: آیه ۸)

گذاشته شد و انجام آن مورد موافقت و حمایت مؤسسه قرار گرفت. از ایشان به خاطر تولید اثر و از استاد گرانمایه جناب آقای دکتر احد فرامرز قراملکی به خاطر راهنمایی‌های ارزشمندی که در فرآیند شکل‌گیری و تولید اثر داشتند صمیمانه تشکر می‌شود.

نقد و بررسی اثر را، محققان پژوهشکده تربیت و اخلاق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی بر عهده گرفتند که نکته‌سنجی‌ها و یادآوری‌های عالمانه آنان مورد توجه نویسنده محترم واقع شد و بر غنای اثر افزود. از ایشان و دیگر عزیزانی که در ویرایش، صفحه‌آرایی، نمونه‌خوانی، طراحی جلد و چاپ و صحافی کتاب ایفای نقش کردند تقدیر و تشکر می‌شود.

آخرین سپاس ویژه خوانندگان فرهیخته و اساتید بزرگواری است که با نقد و ارزیابی اثر و انتقال نقطه نظرات خویش، نویسنده و مؤسسه را در رفع کاستی‌ها و اشکالات احتمالی و تولید آثاری برتر در این حوزه یاری رسانند.

والحمد لله اولاً و آخراً

علی باقری‌فر

زمستان ۸۹

«هیچ کس خواسته و دانسته کار بد نمی‌کند»

این عصاره‌ی تعالیم و حکمت سقراط است.^۱

بهانه‌ی نگارش

وقتی که در سال ۱۳۶۸ در خدمت استاد ارجمندم جناب آقای دکتر فرامرز قراملکی به نگارش کتاب «موانع رشد اخلاق حرفه‌ای در سازمانها» مشغول بودم، به جمله‌ای از «جیمز کالینز» برخوردی که برایم بسیار جذاب بود. جمله این بود: «خوب ماندن سدر راه تعالی است».^۲ منظور وی از این جمله، این است که نباید به «خوب ماندن» قانع بود، چون نفس این مسأله، مانع رشد است و این یکی از مهم‌ترین دلایلی است که موجب می‌شود سازمان‌ها یا افراد به ندرت از «خوب» به «عالی» برسند. کم‌کم این مسأله ذهنم را به خود مشغول کرد که آیا ما «خوب» هستیم یا نگران باشیم که قانع‌بودن به آن سطح، مانع پیشرفت و بهترشدن است؟ این نگرانی کمی افراطی بود، اما واقعیت برای من این بود که پیش از آنکه به عالی‌ترشدن بیندیشیم، باید نگران «خوب ماندن» خود باشیم. چون به نظرم «خوب ماندن»

۱- گمپرتس، تئودور، متفکران یونانی، محمد حسن لطیفی، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۵۹۸

۲- کالینز، جینز، از خوب به عالی، ناهید سپهریور، تهران، بیک آوین، چاپ ششم، ۱۳۸۲، ص: ۹

ما در معرض تهدید است. تصور من از خطری که احساس می‌کردم خیلی روشن نبود تا این‌که مطالعه‌ی آثار دکتر قراملکی مسأله را برایم روشن‌تر کرد. ایشان در آثارشان به صراحت بیان داشته‌اند که پرآسیب‌ترین مسائل اخلاقی، «تعارضات اخلاقی»^۱ است.

درباره‌ی اینکه تعارضات اخلاقی چیست، در ادامه صحبت خواهم کرد، اما در اینجا تأکید کنم که تألیف این اثر پاسخ به آن دغدغه بود. من هر اندازه بیشتر تأمل کردم، به همان اندازه نیز بیش‌تر باور کردم که یکی از تهدیدات جدی برای زیست اخلاقی در هر سطحی - چه فردی، چه شغلی و چه سازمانی - فقدان مهارت در حل تعارضات اخلاقی است. به پشت سرم نگاه کردم؛ دیدم تقریباً در هیچ مقطعی و در هیچ کجا مهارت‌های حل مسائل اخلاقی به ما آموزش داده نشده است، جز اشاعه‌ی قاعده‌ای به نام قاعده‌ی «دفع افسد به فاسد»، که در ادامه خواهم گفت این قاعده چه آسیب‌هایی در آستین خود دارد و روی هم رفته فقدانش بر وجدانش می‌چربد.^۲ بنابراین، بسیار طبیعی است که به محض برخورد با تعارض اخلاقی، دریمانیم و اخلاقمان آسیب ببیند. اهمیت این مسأله موقعی دوچندان می‌شود که بدانیم فقدان مهارت در حل یک تعارض اخلاقی، فقط منجر به شکست در یک تصمیم‌موردی اخلاقی نمی‌شود، بلکه هر شکستی ما را برای پذیرش دیگر تخلفات اخلاقی آماده‌تر می‌سازد. هر دروغی ما را یک گام به دروغ‌گوتر شدن نزدیک‌تر می‌کند. جالب این‌که، مهارت‌های حل مسأله، به معنی دقیق کلمه

۱ - Ethical dilemmas

۱- فرامرز قراملکی، احد، درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای، انتشارات سرآمد، چاپ دوم ۱۳۸۸، ص ۱۹۶

۳- البته این در صورتی است که خارج از مجرای خاص خود به کار گرفته شود.

- به همان معنایی که در ریاضیات می‌فهمیم - مهارت است و می‌توان آن را آموزش داد. فقدان چنین مهارتی، ما را پیاپی با شکست‌های اخلاقی مواجه می‌کند و گام به گام به زیست غیراخلاقی نزدیک‌تر.^۱

این اثر برای پاسخ به دغدغه‌ای که پیش‌تر توضیح دادم، نگاشته شده، اما از آن‌جا که جای آموزش چنین مهارت‌هایی در نظام آموزشی ما خالی است و قشر نوجوان در کسب آن مهارت‌ها اولویت آموزشی دارد، برای استفاده‌ی دانش‌آموزان طراحی شد. این کتاب مانند دیگر کتاب‌های درسی است که برای دانش‌آموزان تالیف می‌شوند، اما باید معلمی به تعلیم آن پردازد و آموزش آن را مدیریت کند. در گام نخست، آنچه دانش‌آموز بهره می‌برد، قضاوت اخلاقی است. اما اگر مهارت قضاوت اخلاقی در این تعارضات و مشابه آن‌ها حاصل شود، به منزله‌ی خروج از بلاتکلیفی اخلاقی خواهد بود که این موضوع، شرط لازم عمل اخلاقی است.

همان‌گونه که ترتیب مباحث نشان می‌دهد، ابتدا یک تعارض اخلاقی در قالب داستانی کوتاه طراحی شده است. برخی از این داستان‌ها واقعاً رخ داده و با اندکی تغییر، بازنویسی شده است؛ اما برخی دیگر، از وقایع و یا مطالعات دیگر الهام گرفته شده و به صورت یک تعارض اخلاقی طراحی شده است. روش کار، این‌گونه است که ابتدا معلم، داستان کوتاه را برای دانش‌آموزان کلاس و گروه تحت تعلیم، می‌خواند و پس از آن، شروع به طرح سؤال‌هایی می‌کند که در پایان هر بحث ذکر شده است. تلاش بر این بوده که سؤال‌ها به ترتیبی چیده شود که دانش‌آموزان را گام‌به‌گام به سمت

۱ - روشن است که رسیدن به مهارت، مستلزم آشنایی قبلی با قواعد است پس باید نخست فرمول‌های حل سؤال روشن شود. آنگاه در مرحله کاربست، مهارت کسب شود.

حل مسأله سوق دهد. ما نخواسته‌ایم به هیچ یک از تعارض‌های اخلاقی، پاسخی صریح که مشکل همه را حل کند، ارایه نمائیم. دلیل آن هم روشن است. چون چنین کاری، نه ممکن است و نه مطلوب، ممکن نیست؛ به این دلیل که هر تعارضی متغیرهای فراوانی دارد که از یک شخص به شخصی دیگر، از یک مکان به مکانی دیگر و از یک زمان به زمانی دیگر متفاوت است. به همین دلیل نمی‌توان برای همه‌ی این وضعیت‌ها نسخه‌ی واحدی پیچید. به عبارت دیگر، پاسخ به تعارضات اخلاقی مانند روش درمان بالینی، کاملاً فردی است. این کار، مطلوب هم نیست؛ به این دلیل که هدف اصلی این اثر، آموزش مهارت است، نه ارائه‌ی حل‌المسائل. چون قرار بر این است که دانش‌آموزان به‌تلاش خودشان به پاسخ برسند تا مهارت لازم را برای روبروشدن با تعارضات مشابه پیدا کنند. بنابراین، پرورش ذهنی خلاق و توانمند در مواجهه‌ی با مسائل، نسبت به پاسخی کلیشه‌ای به تعارض، اولویت دارد. علاوه بر این، آموزش این قبیل مهارت‌ها نمی‌تواند کاملاً کلیشه‌ای باشد، بلکه معلم باید توان هنری خود را هم بکار گیرد و چنانچه متناسب با شرایط، نیاز به دست‌کاری در سؤال‌ها و یا ترتیب آن‌ها باشد، آن‌ها را اعمال کند. در هر تعارض و در فاصله‌ی بین داستان و طرح سؤال‌ها، بحثی نیز تحت عنوان «یادداشتی برای معلم» آورده شده است. این قسمت، پاسخ مسأله نیست، بلکه تحلیلی از داستان و مسأله‌ی مطرح شده در آن است. معلم قبل از این که سؤال‌ها را برای گروه طرح کند، باید این قسمت را به دقت مطالعه نماید و اگر نیاز بیشتری احساس کرد، پیرامون همان مسأله مطالعات جانبی هم داشته باشد. چون آنچه در این قسمت

آمده، حداقل مطالبی است که در تحلیل داستان و راهنمایی معلم لازم به ذکر بوده است. برای دستیابی به اهداف این طرح و مدیریت مؤثر کلاس، شایسته است که معلم قسمت «راهنمای حل مسئله» را که در ادامه می‌آید به دقت مطالعه کرده و آن را دقیقاً اجرا نماید.

با امید به این که این قبیل تلاش‌ها ما را در دستیابی به فضاهایی اخلاقی‌تر کمک نماید، با اغتنام از فرصت، از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر احد فرامرز قراملکی، استاد دانشگاه تهران و رئیس گروه اخلاق حرفه‌ای دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران - که همواره با نظرات مؤثرشان راهنمایم بودند - و حجه الاسلام جناب آقای علی باقری‌فر، رییس مؤسسه‌ی فرهنگی دین‌پژوهی بشرا - که این اثر با حمایت و پیگیری ایشان به ثمر نشست - صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم.

به امید آن که خوانندگان محترم نیز نقایص اثر را به دیده‌ی اغماض ننگرند و ما را از راهنمایی‌های خود بی‌نصیب نگذارند.

رستم فلاح

پاییز ۱۳۸۹